

هر کس مهمان عمل خود است!

زیستن اخلاقی؛ چرا؟

چرا باید اخلاقی زیست؟ این سؤال مهمی است که برای خیلی‌ها ممکن است مطرح شود. اینکه چه ایرادی دارد که ما نیز مثل بعضی دیگر راحت و بی‌خیال، و بی‌توجه به اصول اخلاقی زندگی کنیم، یا حداقل صرفاً متظاهر به اخلاق باشیم، به خصوص که می‌بینیم در اطرافمان هستند کسانی که در زندگی این‌گونه‌اند و در عین حال به ظاهر مسئله‌ای هم ندارند و خوش می‌گذرانند. همان افرادی که به همه نگاهی ابزارگونه دارند. آن‌هایی که در هر چیز به اصطلاح چرتکه خودشان را دارند. حتی سلام و علیکشان نیز حساب و کتاب دارد و بی‌طمع نیست و ...

دیدن برخی کسان که چنین دیدگاهی دارند، یعنی کسانی که پایبندی اخلاقی ندارند و در عین حال زندگی به‌ظاهر موفقی را نیز تجربه می‌کنند، این پرسش دردناک را پیش می‌آورد که: «چرا باید اخلاقی زیست و آیا با این شرایط، اخلاقی زیستن کاری ساده‌لوحانه نیست؟»

این پرسش مهمی است و به‌نظر می‌آید که از مهم‌ترین پرسش‌ها در عرصه اخلاق، همین پرسش است. آیا اخلاقی زیستن در مجموع معقول و با صرفه است یا خیر؟

خوب است که تکلیفمان را با این پرسش از همین ابتدا روشن کنیم.

ساخت آینده

باید بدانیم، از مجموع آموزه‌های دینی چنین بر می‌آید که اخلاقی بودن از هر زاویه که نگریسته شود، به خیر و صلاح ماست. نباید سطحی‌نگر بود و تنها ظاهر را نگاه کرد. التزام به اصول اخلاقی، جدا از اینکه در وهله اول موجب سلامت روانی ماست، نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده نیز هست و اصلاً به نوعی، ساخت آینده خودمان است. به همین دلیل نه تنها ساده‌لوحانه نیست که دقیقاً بر پایه‌های عقلانیت استوار شده است.

چند باور اصلی دینی

این پاسخ بر چند باور اصلی دینی متکی است:

■ نخست آنکه

خداوند ناظر، شاهد

و حاکم این جهان است

(سوره ق/۱۶)

■ دوم آنکه هیچ چیزی، چه

آشکار و چه نهان، از دید او

پنهان نمی‌ماند. (بقره/۲۳).

(انعام/۳)

■ سوم آنکه نظام عالم عادلانه

است و هیچ عملی تباه نمی‌شود

(انبیا/۴۷)

■ چهارم آنکه هر کس نامه عملی دارد

که در آن همه کارهای خوب و بدش

ثبت می‌شود (قمر/۵۲) و (کهف/۴۹).

■ و در نهایت اینکه سرانجام هر کس

متناسب با نوع زیستی که در دنیا داشته

است و مطابق با خوبی‌ها و بدی‌هایش

پاداش می‌گیرد و کیفر می‌بیند

(زمر/۷۰).



منبع: اساس و شالوده این مقاله برگرفته از مقاله سیدحسین اسلامی در فصل نامه علمی پژوهشی، پژوهش نامه اخلاق، سال هفتم، بهار ۹۴، شماره ۲۷ است.

درست خود را موکول به پژواک بیرونی آن کردن، خطاست؛ مگر نه اینکه: هر چه کنیم به خود کنیم، گر همه نیک و بد کنیم؟
بدین ترتیب، اگر خوبی یا بدی از ما سر بزند، این خوبی و بدی در قالب پاداش و کیفر به خود ما باز می‌گردد:
اگر نیکی کنید به خود کرده‌اید و اگر بدی کنید نیز به خود کرده‌اید (اسرا/ ۷).
آری از این منظر اخلاقی زیستن مسئولیت خطیر ما و به واقع حرکت به سوی کمال انسانی خویش است. چه هر کس اخلاقی زندگی کند، به واقع به رشد معرفتی و شخصیتی خویش یاری رسانده است که نتیجه اصلی آن را در آخرت خواهد دید. زیرا در آنجا انسان با خصوصیات اخلاقی کسب شده در دنیا خواهد زیست.

قدر تو به قدر معرفت خواهد بود.
به قول استاد شهید مطهری (ره):
«انسان‌ها در قیامت طبق خصلت‌های اکتسابی روحی محشور می‌شوند... تنها افرادی به شکل و صورت انسانی محشور می‌گردند که اخلاق و خوی‌های اکتسابی و ابعاد ثانوی روح آن‌ها متناسب با شأن و کمالات انسانی باشد. به عبارت دیگر اخلاقشان انسانی باشد (انسان در قرآن، انتشارات حکمت).

این همان نکته مهمی است که همیشه باید به خاطر داشته باشیم. کارکرد مهم اخلاقی زیستن پدید آمدن تحول روحانی در انسان است و این چیزی فراتر از داشتن حافظه‌ای انباشته از گزاره‌ها و احکام اخلاقی است. یعنی باید هویتی اخلاقی پیدا کنیم. این هویت است که در آخرت به شکل زندگی بهشتی نمود پیدا می‌کند. به قول خواجه عبدالله انصاری:

فردا که زوال شش جهت خواهد بود
قدر تو به قدر معرفت خواهد بود
در حسن صفت کوش که در روز جزا
حشر تو به صورت صفت خواهد بود
پس اخلاقی زیستن توجیهی عقلایی و قابل دفاع دارد: «انسانی زیستن در دو جهان، مستلزم اخلاقی زیستن است.»

در جهت کمال

مجموع این باورهای اساسی، پاسخی روشن و ساده به سؤال ما می‌دهد. اینکه چرا باید اخلاقی زیست، پاسخی روشن دارد: اخلاقی زیستن اقدامی در جهت کمال خویش است و نوع آینده‌جاودان ما به آن بستگی دارد. به علاوه، در این نگرش و باور امکان ندارد کسی که تظاهر به اخلاقی زیستن می‌کند، بتواند خدا را گول بزند. چرا که خداوند از همه چیز، چه آشکار و چه پنهان، آگاه است: «بگو آنچه را در دل دارید، چه پنهان کنید و چه آشکار نمایید، خدا از آن آگاه است (آل عمران/ ۲۹).

این پاسخ نه تنها زیست اخلاقی را به خوبی تبیین می‌کند که به معضل نیکوکاری و ناسپاسی نیز پیروز می‌شود. بارها شده است که خوبی کرده‌ایم و در مقابل ناسپاسی دیده‌ایم. این درست، اما برای فرد دیندار، ناسپاسی معنایی ندارد. او کار خویش را ادامه می‌دهد.
آری اگر اخلاقی زیستن اقدامی در جهت کمال خود و نیکی کردن به خود است؛ دیگر انتظار پاداش و سپاس از دیگران چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

امام علی (ع) چه می‌گوید؟

فرمایش امام علی (ع)، در این مورد چه زیباست: «دل‌سرد نکند تو را از نیکوکاری، کسی که نیکوکاری‌ات را سپاس نمی‌گوید. گاه کسی تو را سپاس گوید که از نعمت تو بهره‌مند نشده است و تو از سپاس گفتن دیگران بیش از آنکه ناسپاسان تباه کرده‌اند، به دست خواهی آورد و خدا نیکوکاران را دوست دارد» (حکمت/ ۱۹۵).

می‌بینید که توجه و حساسیت نسبت به سپاس و ناسپاسی دیگران و رفتار

